



## دوبیتی های محلی افغانستان

۳

خوډم اینجا که یارم در مزار است  
گل صدبرگ من پهلوی خار است  
خدا می داند و من دانم ای گل  
شکر در کام من مانند زار است

\*\*\*\*\*

الا دختر که رفتارت مرا کُشت  
صدای بوت بلغارت مرا کُشت  
صدای بوت بلغارت چه باشد  
همو چشمان بیمارت مرا کُشت

\*\*\*\*\*

گیایت یادگاری مانده بر من  
جفا و رنج و خواری مانده بر من  
جفا و رنج و خواری، غصه و غم  
به دل صد زخم کاری مانده بر من

\*\*\*\*\*

مه که گل میگیرم، گلدانی باشه  
مه که یار میگیرم، اوغانی باشه  
مه که یار میگیرم اوغان کوچی  
که اوربل بر سر پیشانی باشه

\*\*\*\*\*

پیام آور کبوتر دیر کردی  
مرا در انتظارت پیر کردی  
نشد پیکی رسد از کوی جانان  
تو هم در بند عشقش گیر کردی

\*\*\*\*\*

دلم از دود تمباکو سیاه شد  
که هر جا یار گرفتم بی وفا شد  
بریم از شهر کابل یار بگیریم  
دلم از یار هرجائی سیاه شد

\*\*\*\*\*

فلک بنگر چه ظلم ناروا کرد  
مرا از تو، ترا از من جدا کرد  
غم عالم همه ریگ بیابان  
فلک برچید و بر دامان ما کرد

\*\*\*\*\*

نماز شام غریبی رخ به من کرد  
دلم جولان زد و یاد وطن کرد  
نمی دانم پدر بود یا برادر  
مرا گوشه نشین هر وطن کرد